

چهارسو - ٦

رسان موآاد تشنگان

ترجمه‌ی وحیده طاهری



لشردیبله

بایز ١٣٩٣

چهارسو - ۶

تشنگان

و جدی موواد

ترجمه‌ی وحیده طاهری

سرور استار: اصغر نوری

نمونه خوانی: الهه محمدحسینی

بازبینی نهایی: نازنین دیهیمی

صفحه‌آرایی: سارا محسن پور

طراحی جلد: نیما باقری

چاپ اول: ۱۳۹۳ تیراز: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۲-۰۴۸-۹

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

بازرسی

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای نشر دنیایه محفوظ است
تهران، خیابان ارسباران، خیابان خورشیدی، خیابان عطار، کوچه یکم، پلاک ۸، طبقه اول
۰۲۸۸۶۴۵۰-۲ info@dnia-veh.ir

فروشگاه اینترنتی: www.faravajr.ir

سرشناسه	موضوع، و جدی: ۱۹۶۸م. - Mo'avarat-e Jodi
عنوان و نام پدیدآور	تشنگان/و جدی: موواد؛ ترجمه‌ی وحیده طاهری.
مشخصات نشر	تهران: دنیایه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۹۸ص: ۲۱×۵/۱۴؛ ۵۳م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۱۲-۰۴۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Assoiffes.
موضوع	نمایشنامه فرانسه قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	طاهری، وحیده؛ مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ق ۴۶۰ / PQ۲۶۴۰
رده بندی دیویی	۸۴۲/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۹۷۶۵۴

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۵	۱. موردوک
۲۱	۲. نروژ
۲۵	۳. بون
۳۱	۴. متافیزیک اتوبوس شهری
۳۷	۵. زیبایی: کار عملی
۴۳	۶. آقای کلیمان بولتانسکی
۴۵	۷. سخنرانی اخلاق‌گرا در وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی
۴۹	۸. ساختار شخصیت‌ها
۵۱	۹. از خودش چیزی نگفت
۵۵	۱۰. استعاره
۵۷	۱۱. روش‌های مختلف خودکشی در این روزها (مزایا و معایب)
	۱۲. تف
	۱۳. اصلاح آموزش (روش نابودی)
	۱۴. مراسم خاک‌سپاری
۷۵	۱۵. اثبات وسواس‌گونه در شخصیت روان‌پزش
۷۹	۱۶. شهادت
۸۳	۱۷. مثل یک هیولا
۹۱	۱۸. تشنگان

یادداشت مترجم

وجدی مواودا، نمایشنامه‌نویس مترجم و کارگردان لبنانی - کانادایی، ۱۶ اکتبر ۱۹۶۸ در دیرالزور به دنیا آمد. در هشت سالگی آنجا را به سبب جنگ داخلی ترک کرد و به فرانسه رفت؛ با خانواده‌اش در پاریس ساکن شد، ولی به خاطر عدم تمایل مجوز اقامت ۵ ساله در فرانسه، در سال ۱۹۸۳ به کبک کانادا مهاجرت کرد. در کبک به تحصیل پرداخت و بیست ساله بود که نخستین نمایشنامه‌اش را با عنوان ویلی پروتاگوراس خود را در توالد زندانی کرده نوشت. نمایشنامه‌ای که در گذار از تراژدی‌ها، جابه‌جایی‌ها و مهاجرت سپری کرده بود. در سال ۱۹۹۱ دیپلم مدرسه‌ی ملی تئاتر مونترال کانادا را گرفت. بلافاصله با همکاری بازیگر دیگری به نام ایزابل لوبلان، اولین گروه تئاترش



1. Wajdi Mouawad

2. Willy Protagoras enfermé dans les toilettes

تئاتر اُپارلور^۱ را بنا نهاد. او اولین نمایشنامه‌های خود را در همین گروه کارگردانی کرد.

مواد کار تئاتر را با بازیگری آغاز کرد. از بین کارهای مهم این دوره‌اش می‌توان بازی در کالینگولای آلبر کامو به کارگردانی بریژیت هینتجان و صندلی‌های^۲ اوژن یونسکو^۳ به کارگردانی دانیل روسل را نام برد. او بعدها علاوه بر کارگردانی، در هفت نمایشنامه‌ی خودش هم بازی کرد.

به کار روی دو نمایشنامه از برادرش، ناجی مواد، به نام‌های الملجا^۴ (۱۹۱۱) و سبد^۵ (۱۹۹۲)، به کارگردانی روی آورد و بعد از آن، کارهای دیگری را هم به همین صحنه برد: اقتباسی از سفر به انتهای شب^۶ اثر لویی فردینان ساین، و بخت^۷ و بلیام شکسپیر، ادیپ^۸ سوفوکل^۹، شش شخصیت در جستجوی نویسنده^{۱۰} اثر ژوئجی پیراندلو^{۱۱}، سه خواهر^{۱۲} آنتوان چخوف و نمایشنامه‌هایی از آندره ژید^{۱۳} و صر چون مادر توله‌سگ‌هایم^{۱۴} اثر

1. le Théâtre du Ô Parleur
2. Catigula
3. Les Chaises
4. Eugène Ionesco
5. Al Malja
6. L'Exil
7. Voyage au bout de la nuit
8. Longtemps j'ai aimé Céline
9. Œdipe
10. Les six personnages en quête d'auteur (Oedipus the King)
11. Sophocles
12. Six personnages en quête d'auteur (Six Characters in Search of an Author)
13. Luigi Pirandello
14. Les Trois Sœurs (Three Sisters)
15. Ma mère chien

لوئیز بومباردی^۱، گوسفند و دختر چوپان^۲ اثر احمد غزالی^۳، قطار بازی^۴ اثر اروین ولش^۵ و تو تجاوز نخواهی کرد^۶ اثر ادنا مازی^۷... نمایشنامه‌ی آلفونس^۸ را در سال ۱۹۹۶ نوشت و سه سال بعد از آن، یکی از مهم‌ترین آثار خود به نام منطقه‌ی ساحلی^۹ را در سال ۱۹۹۹ به چاپ رساند.

در سال ۲۰۰۰ برای چهار فصل به عنوان مدیر هنری تئاترال کت سو مونترال^{۱۰} انتخاب شد. او یک داستان برای کودکان به نام پاکامامبو^{۱۱} (۲۰۰۰) و رمانی به نام چهره‌ی بازیافته^{۱۲} (۲۰۰۲) هم در کارنامه‌اش دارد. همچنین در سال ۲۰۰۳ نمایشنامه‌ی رویا^{۱۳} را نیز به چاپ رساند. مواد سال ۲۰۰۵ یک کمپانی تئاتری دیگر تاسیس کرد: آبه کاره^{۱۴} در کبک و آکاره دو پوتنس^{۱۵} در فرانسه. او در سال ۲۰۰۵ برنده‌ی جایزه‌ی مولیر شد؛ جایزه‌ای که مختص بهترین نویسنده‌ی فرانسوی زبان است؛ ولی مواد این جایزه را به خاطر اعتراض به تبعیض میان کارگردانان فرانسوی تبار و کارگردانان مهاجر رد کرد. در همین سال برای مهم‌ترین

1. Louise Bombardier

2. Le mouton et le chapeau

3. Ahmed Ghazal

4. Trainspotting

5. Irwin Welsh

6. Tu ne pourras pas

7. Edna Mazia

8. Alphonse

9. Littoral

10. le Théâtre de Quat'Sous

11. Pacamambo

12. Visage retrouvé

13. Rêves

14. Abé carré

15. Au Carré de l'hypoténuse

جایزه‌ی تئاتری کانادا، جایزه‌ی سیمونویچ انتخاب شد. مواد از سال ۲۰۰۷ مدیر هنری تئاتر فرانسوی مرکز ملی هنرهای اتاوا است.

در سال ۲۰۰۹ نمایشنامه‌ی آسمان‌ها^۱ را نوشت. در همین سال، تئاتر دراستنی از وجدی مواد برای اجرای نمایشنامه‌ی منطقه‌ی ساحلی دعوت به عمل آورد؛ این نمایشنامه که در سال ۱۹۹۹ نوشته شده بود، با میزانشن جدید و گروه اجرایی جدید توسط او به روی صحنه رفت.

در همین سال چهارگانه‌ی معروف خود، خون عهد‌ها^۲ را در جشنواره‌ی وینیپگ به روی صحنه برد. این چهارگانه شامل نمایشنامه‌های منطقه‌ی ساحلی، خاکسترها^۳، جنگل‌ها^۴ و آسمان‌ها بود که اجرای یازده ساعت به طول انجامید. قبل از آن، مواد در سال ۱۹۹۹ نیز با نمایشنامه‌ی منطقه‌ی ساحلی در این جشنواره شرکت کرده بود.

گرچه قرن‌ها گذشته از روزگاری که در یونان باستان، تماشاگران یک روز کامل را صرف تماشای یک تئاتر می‌کردند، اما مواد در جشنواره‌ی آوینیون با جرات خود توانست تماشاگر را از یازده صبح تا یازده شب پای نمایش خون عهد‌ها بنشیند.

هر یک از این چهار اثر، به روایت داستان جوانی می‌پردازد که با پرس و جواز تاریخچه‌ی خانوادگی، به جستجوی اصل و نسب خویش و جایگاه خود در جهان برمی‌آید و عاقبت با تباها و رنج خود رویارو می‌شود.

در منطقه‌ی ساحلی، مرد جوانی تصمیم می‌گیرد تا جنایت پدرش

۷

1. *Ciels*

2. *Le Sang des Promesses*

3. *Incendies*

4. *Forêts*

را به سرزمین مادری او، لبنان، در هنگامه‌ی جنگ داخلی لبنان برد و در آن جا به خاک سپارد؛ در سفری که او را به شناخت سرگیجه‌آوری از زندگی اش می‌رساند.

در خاکسترها مرگ مادر و راز زندگی او، خواهر و برادری دوقلو را به سفری ماجراجویانه می‌کشاند و آن‌ها در نهایت درمی‌یابند که ثمره‌ی ترویزی اودیپ گونه هستند.

در جنگل‌ها قهرمان زن درمی‌یابد که نسل اندر نسل از تبار زنانی است که توسط مادران خود طرد شده‌اند. سرنوشت تأثرآور زنی جوان، ما را به نسل‌های خانوادگی او می‌برد.

در آسمان، یک کس در مکانی در بسته تحت تدابیر شدید امنیتی نگهداری می‌شود و مکالمات تلفنی نقاط حساس شهر را شنود می‌کنند تا از یک حمله‌ی تروریستی جلوگیری کنند.

مواد همواره در نوشته‌های دل‌بسته‌ی آورد به اسطوره‌ها و تراژدی‌های یونان باستان را نشان داده است. در این کتاب با اسطوره‌های مدرن مواجه می‌شویم، به روایت نویسنده‌ای که مجذوب دردهای کهن است. مواد ایستاده در نقطه‌ی تلاقی شرق که حکایت‌ها و اساطیر آن جزو فرهنگ روزمره‌اند، و غرب مدیترانه‌ای که افسانه‌هایش اسطوره‌های زنده و اثرگذار بدل شده‌اند، این تأثیرات را باز آفرینی می‌کند. قدر و برابری و شاعرانگی نمایشنامه‌های او صحنه‌هایی در اوج تنش‌های عاطفی و فرهنگی، حریم خصوصی، جامعه و روان‌شناسی از دیگر مؤلفه‌هایی هستند که آثار وی به آن‌ها پرداخته شده است. او این هدف را دنبال می‌کند که «نمایش‌هایش را نه بر صحنه، بلکه بر ذهن مخاطب به اجرا درآورد». او می‌داند چگونه آن‌چه را که نادیدنی است و در ذات هر انسانی وجود دارد نمایان سازد و شخصیت‌هایی در اندازه‌های جهانی بیافریند که با

گسترش تأویل‌های متن، همزمان با تاریخ خود و تاریخ جهان مواجه گردند. خانواده یکی از محورهای اصلی و بنیادین نمایشنامه‌های مواوادی است. مواوادی در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «برای من خانواده به مثابه‌ی آزمایشگاهی تجربی، خصوصاً تجربه‌های عاطفی است. آن‌چه در نوشته‌های من نمود پیدا می‌کند، دریافتی از جهان است که با نزدیک شدن به خانواده می‌توان به آن راه یافت. همچنین درکی از زیبایی، و فهم این واقعیت شو که کننده که یک‌بار بیشتر زندگی نخواهیم کرد. همه‌ی این‌ها دریافتی که ما از مفهوم پدر و مادر داریم نمایان می‌شود، این‌ها حقایقی است که من خوب می‌شناسم...»

سیناپس نمایشنامه‌ی گذشته‌ی خویش، از دیگر مؤلفه‌های آثار مواوادی است. او در این‌باره می‌نویسد: «در ذهنم سه من وجود دارد که زاینده‌ی مسیری است که بین لبنان، تونس و کبک طی کرده‌ام. هیچ کدام از این مکان‌ها را من انتخاب نکردم اما می‌گویم اگر در لبنان مانده بودم عربی حرف می‌زد. آیا به سه من کشیده می‌شدم؟ گاهی اوقات این حس را دارم که سه نفر هستم. یکی از آن‌ها در لبنان مانده و آرایشگر شده؛ دیگری در فرانسه نقاش شده است. این‌ها در دوقلوهای نمایش‌هایم، خاکسترها و جنگل‌ها به چشم می‌خورد. همین‌ها میل شخصیت‌هایم برای بازگشت دوباره به مکان‌های خاص - اما این بار سر اختیار - از همین جا نشأت می‌گیرد...»

مواوادی برای نوشتن و کارگردانی متن، روش خود را از ابتدا سیناپس نمایشنامه را با بازیگرانش در میان می‌گذارد، سپس در بخش تمرین‌هاست که دیالوگ‌های نمایشنامه را می‌نویسد. وی از نظرات همه‌ی عواملی که با او کار می‌کنند بهره می‌جوید.

وجدی مواوادی خاکسترها و منطقه‌ی ساحلی را برای سینما اقتباس کرده

است. منطقه‌ی ساحلی با عنوان «جزر و مد» در سال ۲۰۰۴ به کارگردانی خودش ساخته شد. فیلم خاکسترها به کارگردانی دنیس ویلنوو در سال ۲۰۱۰ به روی پرده رفت. فیلم خاکسترها نامزد جایزه‌ی بهترین فیلم خارجی اسکار و برنده‌ی جایزه از فستیوال فیلم تورنتو شد.

در سال ۲۰۱۰، مواد در عادل‌های کامو به کارگردانی استانیسلاس تراودی بازی کرد. او در حال حاضر مشغول کار روی هفت تراودی سوفوکل است که اولین اپیزود آن به نام زن‌ها، ترکیبی است از سه ژانر رمانتیک، آنتیگون و الکتر.

مواد پیشنهادی تشنگان^۲ را در سال ۲۰۰۶ با همکاری بنوا ورمولن نوشت. در سال ۲۰۰۷، کارگردانی ورمولن، در تئاتر لیونل گرولز در کبک به روی صحنه رفت.

او درباره‌ی نوشتن نمایشنامه تشنگان می‌گوید: «من و بنوا آن‌چه را در نوجوانی در ذهنمان زنده نگه داشتیم و به آن‌ها بازگشتیم. ما با یکدیگر تبادل می‌کردیم. به هر دو کوهای فراوان، من به او پیشنهاد کردم متنی بنویسیم که ساختار آشکاری نداشته باشد: نوشتن صحنه‌ها، هدف‌های متن، جواب‌ها، افکار، بی‌توجه به منطق و انسجام درونی. به بنوا پیشنهاد کردم خودش انسجام درونی را پیدا کند. این شرطی که گذاشتم به عنوان یک راه حل عالی به من اجازه داد که بدون آن‌که گرم باشد درباره‌ی ساختار چیزی از من پرسیده شود بنویسم و بنوا چالش‌های صحنه‌ای را که از متن برمی‌آمد، به عهده گرفت. از این پراکنده‌گرایی جزئیات را مشخص کردیم و شخصیت‌های موردوک، بون و مروث برایمان آشکار شدند.»



1. Les Justes

2. Assoiffés

درباره‌ی نمایشنامه‌ی «تشنگان» که در بافتی استعاری، درباره‌ی درک زیبایی و در مقابل آن، مفهوم زشتی و پلشتی و مواجهه‌ی انسان با آن‌ها می‌گذرد، شاید خود نویسنده بهترین مثال را به کار برده است: «در نوشته‌های من چیزی از جنس معصومیت یک کودک به چشم می‌خورد. کودکی را تصور کنید که با اسباب‌بازی محبوبش بازی می‌کند. یک روز این اسباب‌بازی می‌شکند. حال فرض کنید که به جای اسباب‌بازی، اعتقاد او به خرمی جهان است که در هم می‌شکند؛ اعتقاد او ناگهان در هم می‌شکند و شوک ناشی از این واقعه به حدی است که تصمیم می‌گیرد از دنیا برود. او از نو بسازد. ممکن است این کار سال‌ها به طول انجامد. هر بار که برای از اعتقاد در هم شکسته‌اش را سر جایش می‌چسباند، بخشی از آن تخیل می‌شود...»